

## Exploring the Ruling of Ramy (Jamarât Al-'Aqabah) from the Upper Floors in a New Form<sup>1</sup>

*Mohammad Rasoul Ahangaran<sup>1\*</sup>, Mahdi Sajedi<sup>2</sup>*

1. Full Professor, Faculty of Theology, College of Farabi, University of Tehran, Qom, Iran
2. Ph.D Student, Faculty of Theology, College of Farabi, University of Tehran, Qom, Iran

(Received: February 3, 2020; Accepted: May 18, 2020)

### Abstract

This study examines the jurisprudential ruling of Ramy Jamarât from the upper floors as well as the newly extended parts. The results of this library-based research obtained by using software and analyzing the evidences indicate that at the time of legislation of Islamic law (Shari'at) and issuance of Islamic narrations Jamarâ was a symbol and sign installed at the current place of Ramy in Mina at which the pilgrims had to throw stones. Historical accounts and evidences available in the narrations also indicate that this symbol was not important by itself and merely indicated the point at which the stone should be thrown. Therefore, it seems that its longitudinal, horizontal, and altitudinal development at the present time does not have any effect on the ruling of Ramy. Because, each one of them which now exist in the form of an extended pillar in the upper floors represents the location of the Ramy and the direction of throwing stone. And throwing a stone at the extended pillar at each floor, whether it hits the pillar or falls into the pool next to it, is enough for Ramy authenticity.

**Keywords:** Ramy, Upper Floors, Jamarât, Common Law, Mina

---

1. The article extracted from Ph.D dissertation.

\* Corresponding Author, Email: [ahangaran@ut.ac.ir](mailto:ahangaran@ut.ac.ir)

پژوهش‌های فقهی، دوره ۱۷، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۰  
صفحات ۸۰۱-۸۱۹ (مقاله پژوهشی)

## واکاوی حکم رمی جمرات از طبقات فوقانی و در شکل جدید<sup>۱</sup>

محمد رسول آهانگران<sup>۱\*</sup>، مهدی ساجدی<sup>۲</sup>

۱. استاد، پردیس فارابی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲. دانشجوی دکتری، دانشکده الهیات، دانشگاه تهران پردیس فارابی، قم، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۲۹)

### چکیده

در تحقیق حاضر حکم فقهی رمی جمرات از طبقات فوقانی و نیز به قسمت‌های توسعه‌یافته کنونی بررسی شده است. نتایج پژوهش که به صورت کتابخانه‌ای و نرم‌افزاری و با تحلیل ادله حاصل شده، حاکی از این است که جمره در عصر تشریح و صدور روایات، نماد و علامتی نصب‌شده در محل‌های کنونی رمی در مناسبت که حجاج موظف بوده‌اند برای انجام رمی، سنگریزه‌ها را به سمت آن پرتاب کنند. گزارش‌های تاریخی و قرائن موجود در روایات نیز حاکی از این است که این نماد به‌خودی‌خود موضوعیت ندارد و صرفاً نشان‌دهنده نقطه‌ای است که باید به آن جهت رمی صورت گیرد. بنابراین به نظر می‌رسد در زمان حاضر نیز توسعه طولی، عرضی و ارتفاعی این نماد، تأثیری در حکم رمی به سمت آن ندارد، زیرا هریک از جمره‌ها که اکنون به شکل ستون ممتد در طبقات است، نشان‌دهنده محل رمی و سمت پرتاب است و صرف پرتاب سنگ به سمت ستون ممتد در هر طبقه و خواه به ستون اصابت کند یا در حوضچه اطراف آن بیفتد، برای صحت رمی کافی است.

### واژگان کلیدی

جمره، رمی، طبقات، عرف، منا.

<sup>۱</sup> مقاله برگرفته از رساله دکتری.

## ۱. مقدمه

پرتاب سنگریزه به نماد شیطان یا همان رمی جمره به عنوان یکی از اعمال منا و از واجبات حج، عملی است که هر ساله توسط همه حجج در روز عید قربان و روزهای بعد از آن در ماه ذی‌حجه انجام می‌پذیرد. در سالیان اخیر با توجه به کثرت حجج و ازدحام جمعیت، به منظور تسهیل حجج در امر رمی، این محل که در سرزمین منا واقع شده، توسعه داده شده است، به گونه‌ای که اکنون حجج می‌توانند از طبقات متعدد اقدام به رمی کنند. همچنین ستون‌های قرارگرفته در محل رمی از نظر ابعاد در جهت طول و عرض و ارتفاع توسعه یافته‌اند. البته دور ستون‌های جدید را دیوار حائلی با فاصله تقریبی نزدیک به دو متر احاطه کرده است. فاصله بین این دیوار تا ستون‌های واقع در محل رمی را حوضچه‌ای احاطه کرده است که سنگریزه‌های حاصل از پرتاب حجج درون آن ریخته می‌شود (مشاریع السعودیه، جسر الجمرات=https://saudi-projects.net/project=). با توسعه‌ای که در محل رمی صورت گرفته است، پرسش‌هایی چند رخ می‌نماید که لازم است پاسخ داده شوند. از جمله:

۱. حکم شرعی رمی از طبقات فوقانی به ستون‌هایی که در هر طبقه قرار دارد چیست؟
  ۲. رمی به تمام نقاط ستون‌های کنونی در طبقه همکف یا طبقات فوقانی مجزی است یا پرتاب باید به قسمت قدیمی و قبل از توسعه ستون‌ها صورت گیرد؟
  ۳. برای صحت رمی، برخورد سنگریزه‌ها به ستون‌ها لازم است یا افتادن سنگریزه‌ها در حوضچه پیرامونی ستون‌ها کافی است؟
- قبل از پاسخگویی به پرسش‌های مذکور، ابتدا مفاهیم اساسی در پژوهش تبیین و پس از آن تاریخچه رمی و جمره واکاوی می‌شود.

گفتنی است در زمینه موضوع مورد پژوهش، رساله‌ای از برخی مراجع معاصر و مقالاتی از برخی نویسندگان (نگرشی تازه به رمی جمرات، اثر مهدی مهریزی، ۱۳۷۷؛ تحقیقی جدید درباره رمی جمرات به فارسی و عربی، رساله آیت‌الله مکارم شیرازی، ۱۳۸۱) به

رشته تحریر درآمده است. در مقاله، به موضوع‌شناسی جمرات و در رساله به اثبات عدم اشتراط اصابت سنگریزه به ستون‌ها پرداخته شده است. چنانکه از تاریخ نگارش تحقیقات نیز پیداست، این تحقیقات در سالیان گذشته نگارش یافته و در آن زمان توسعه جمرات در طبقات پنجگانه و بالتبع بحث از حکم رمی در طبقات فوقانی مطرح نبوده است. وجه نوآوری پژوهش حاضر این است که علاوه بر مفهوم‌شناسی رمی و جمره، سیر تاریخی به‌خصوص از نگاه تاریخ‌نگاران احوالات مکه که در قرون نزدیک به عصر تشریح می‌زیسته‌اند، بررسی و تلاش شده است با بررسی یکجای مجموعه قرائن لغوی، تاریخی، روایی و فقهی، ضمن ارائه تحلیلی نو و نقادانه، حکم توسعه در شکل کنونی و در طبقات فوقانی واکاوی فقهی شود.

## ۲. تبیین مفاهیم اساسی

### ۲.۱. مفهوم رمی

رمی در لغت به معنای انداختن، دور کردن (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۴۳۶ و ج ۵: ۳۸۰؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۵۱۷؛ واسطی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۹: ۴۷۵) و انداختن توسط کمان یا از دست (فیومی، بی‌تا، ج ۲: ۲۴۰؛ جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۶: ۲۳۶۲) به‌کار می‌رود و از آنجا که تیر به سمت صید و شکار پرتاب می‌شود، به صید، «رمیه» اطلاق می‌شود (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴: ۳۳۶؛ طریحی، ۱۴۱۶ق، ج ۱: ۱۹۵). همچنین به ابرهایی که قطرات باران را می‌اندازند، «أرمیه» گفته شده است (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰: ۲۷۹).

از کلمات اهل لغت چنین فهمیده می‌شود که رمی بر هرگونه انداختن چه عمودی و چه افقی اطلاق می‌شود، با این تفاوت که در رمی عمودی به‌سبب وجود نیروی جاذبه، نیازی به وارد کردن نیرو به جسم مورد پرتاب نیست و رمی با رها کردن جسم حاصل می‌شود. همچنین در معنای این واژه، نوعی دور کردن وجود دارد.

### ۲.۲. مفهوم جمره

جمره در لغت به معنای تجمع یک چیز (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۴۷۷)، یا مجموعه‌ای از مواد قابل اشتعال، سنگریزه (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۶۱۶؛ نشوان حمیری، ۱۴۲۰ق، ج ۲:

۱۱۵۶؛ واسطی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۶: ۲۰۸) یا کوبه‌ای از سنگریزه (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۱۰۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴: ۱۴۴؛ طریحی، ۱۴۱۶ق، ج ۳: ۲۴۹) به‌کار رفته است. بنابراین همان‌گونه که برخی اهل لغت نیز تصریح کرده‌اند، به مجموع سنگریزه‌هایی که در یکجا جمع می‌شود، مانند سنگریزه‌هایی که در منا در مناسک حج، جهت رمی به‌کار می‌رود، جمره اطلاق می‌شود. این تصریح از اهل لغت دلالت دارد بر اینکه مراد از جمره، ستون یا علامت خاصی که سنگریزه به سمت آن پرتاب شود نیست، بلکه کوبه تشکیل و مجتمع شده از سنگریزه، جمره نامیده می‌شود.

### ۳. تاریخچه رمی و جمره

مطابق با روایات نقل شده در منابع شیعی، اولین رمی به دستور جبرئیل و توسط پیامبر الهی حضرت آدم(ع) هنگام ادای مناسک حج و نزد جمره و پس از ایشان توسط حضرت ابراهیم(ع) هنگامی که شیطان در منا و در محل کنونی جمرات در مقابل دیدگان ایشان مجسم شده، صورت گرفته است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۱۹۱؛ شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۲۰۰).

در کتاب‌های تاریخی نگاشته شده در خصوص مکه و احوالات آن نیز در مورد نحوه حج‌گزاری حضرت ابراهیم(ع) و انجام رمی توسط ایشان چنین آمده است: «هنگامی که داخل منا شد و از عقبه پایین آمد، نزد جمره عقبه، ابلیس برای او ممثل شد، پس جبرئیل به ایشان گفت: رمیش کن، پس با هفت سنگ او را رمی کرد تا ناپدید شد...» (ازرقی، بی‌تا، ج ۱: ۶۷).

در همین گزارش‌های تاریخی در مورد نحوه تعمیر مسیر منا تا شِعب و جمرات آسیب‌دیده در سیلاب توسط اسحاق بن سلمه والی مکه آمده است: «وی مسیری که پیامبر اسلام از منا به سمت شِعب می‌پیمودند را اصلاح کرد... این مسیر دچار فرسودگی شده بود و جمره نیز توسط مردم نادان به واسطه رمی با سنگریزه‌ها از محلش زایل شده و مورد غفلت بود تا آنجا که مقدار کمی از قسمت بالا از محلش زایل شده بود، از این رو آن را به جایگاه اولش که پیوسته در آنجا بود برگرداند و در اطرافش دیواری بنا کرده و بالا برد و

مسجدی نیز متصل به این دیوار ساخت تا کسی که می‌خواهد رمی انجام دهد از قسمت بالا به آن دسترسی نداشته باشد و سنت در رمی این است که کسی که رمی می‌کند در قسمت پایین و کف وادی بایستد به طوری که مکه در طرف چپ و منا در طرف راست او باشد چنانکه رسول خدا و اصحاب ایشان بعد از آن حضرت چنین می‌نمودند» (ازرقی، بی‌تا، ج ۱: ۳۰۳).

در دیگر کتاب‌های تاریخی مانند مرآت الحرمین که در مورد تاریخ و احوالات مکه نگاشته شده نیز به این گزارش تصریح شده است (ابراهیم رفعت باشا، ۱۳۴۴، ج ۱: ۳۲۹). مؤلف در این کتاب به تعریف جمره عقبه پرداخته و آن را دیواری سنگی که در قسمت وسط، دارای ارتفاعی بیشتر است، تعریف نموده است و از قول محب‌الدین طبری (م ۶۱۵) از علمای شافعی چنین نقل می‌کند که بر بالای هر جمره نشانه‌ای آویزان بوده که حجاج، زیر و اطراف آن را رمی می‌کرده‌اند (ابراهیم رفعت باشا، ۱۳۴۴، ج ۱: ۴۸).

همچنین مؤلف در کتاب، با اعداد و ارقام به بیان اندازه جمره عقبه پرداخته و بیان می‌کند در اطراف آن حوضچه‌ای بوده که سنگریزه‌های حجاج در آن می‌افتاده است (ابراهیم رفعت باشا، ۱۳۴۴، ج ۱: ۳۲۸). وی در قسمتی دیگر از کتاب به بیان فاصله جمرات از یکدیگر پرداخته و بیان می‌کند جمره، نشانه‌هایی برای بیان محل رمی و شبیه به ستون بوده است (ابراهیم رفعت باشا، ۱۳۴۴، ج ۱: ۳۳۹).

از مجموع گزارش‌های تاریخی که گذشت، چنین استفاده می‌شود که جمره، نماد و علامت منصوب در منا و در محل رمی کنونی بوده است تا نشان از محلی باشد که در آن محل، شیطان توسط انبیای گذشته رمی شده است، زیرا با توجه به فاصله زمانی که بین دوران نبوت حضرت آدم (ع) تا حضرت ابراهیم (ع) و سپس تا عصر رسالت نبی مکرم اسلام (ص) وجود داشته و با توجه به وقوع حوادث طبیعی مختلف از جمله سیلاب در منطقه مکه و منا، بیم آن می‌رفته است که این محل دستخوش تغییر شده و محو شود.

تعمیرات اتفاق افتاده در منطقه منا در عصر حاکمان بعد از اسلام که بر مکه حکمرانی می‌کرده‌اند نیز گواه دیگری است بر اینکه در زمان آنان این محل با نمادی شبیه ستون

علامت‌گذاری و در اطراف هریک از آنها، دیوار حائلی قرار داده شده است. بیان فاصله دقیق هر جمره با دیگری در کتاب‌ها بیان‌کننده تاریخ و احوالات مکه و سنت دانستن رمی جمره از قسمت پایین آن نیز می‌تواند بر این نکته دلالت کند که در عصور متقدم در محل رمی، نمادی قرار داشته که حجاج به سمت آن رمی می‌کرده‌اند. بر این اساس و با توجه به گزارش‌های تاریخی و قرائن و شواهد موجود، چنین برداشت می‌شود که ستون و علامت قرار داده‌شده در محل رمی، موضوعیت نداشته و صرفاً برای تعیین محلی بوده است که باید سنگریزه به آن محل انداخته شود.

#### ۴. جمره در روایات رمی

از آنجا که زمان صدور روایاتی که در آن مسئله رمی و احکام مربوط به آن تبیین شده، به عصر تشریح و رسالت نبی مکرم اسلام (ص) نزدیک است، تأمل در این روایات نیز می‌تواند روشن‌کننده مراد از جمره در عصر رسالت و عصر معصومین (ع) باشد. از این رو به برخی از این روایات اشاره می‌شود:

##### ۴.۱. روایت شیخ صدوق از نبی مکرم اسلام (ص) و ائمه اهل بیت (ع)

«به رمی جمره‌ها امر شده زیرا ابلیس ملعون برای حضرت ابراهیم علیه‌السلام در محل جمره‌ها مجسم می‌شد، پس ابراهیم علیه‌السلام او را رمی می‌کرد، پس از ایشان این کار سنت شد.»<sup>۱</sup> (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۲۰۰).

روایت مذکور، بیان‌کننده روند تشریح رمی است و اشاره به محل جمره‌ها با عبارت «فِي مَوْضِعِ الْجِمَارِ» در این روایت می‌تواند تأییدی بر برداشت تاریخی از جمره باشد مبنی بر اینکه جمره، علامتی بوده که بعداً در محل رمی شیطان توسط حضرت ابراهیم، نصب شده است. چه اینکه اگر علامتی قرار داده نمی‌شد و محل رمی، صرفاً محل اجتماع سنگریزه‌ها بود، با گذشت زمان و وقوع حوادث طبیعی از بین رفته و محو می‌شد.

۱. مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ: «إِنَّمَا أُمِرَ بِرَمِي الْجِمَارِ لِأَنَّ إِبْلِيسَ اللَّعِينِ كَانَ يَتَرَاءَى لِإِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي مَوْضِعِ الْجِمَارِ فَبَرَأَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَجَرَتْ بِذَلِكَ السُّنَّةُ.»

#### ۴,۲. روایت صحیح معاویه بن عمار از امام صادق(ع)

حضرت در ضمن حدیثی فرمودند: «اگر سنگریزه‌ای را پرتاب کردی و در محملی افتاد، به جای آن سنگ دیگری پرتاب کن و اگر به انسان یا شتری برخورد کرد و سپس بر جمره‌ها افتاد، برای تو کافی است»<sup>۱</sup> (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴: ۶۱).

از روایت به‌خوبی استفاده می‌شود که حجاج در عصر معصومین(ع) برای رمی جمره، به سمت نماد و علامتی و نه به سمت زمین، سنگ پرتاب می‌کرده‌اند، زیرا در پرتاب به سمت زمین، جهت پرتاب به سمت پایین است، اما در پرتاب به سمت نماد قرار داده‌شده بر زمین، جهت پرتاب، به سمت بالاست، به‌گونه‌ای که امکان برخورد به محملی که روی حیوان قرار گرفته وجود دارد. همچنین از روایت فهمیده می‌شود ملاک در صحت رمی، صرف پرتاب به سمت جمره و با نیت رمی نیست، بلکه سنگریزه باید به محل رمی و لو به‌واسطه، برسد.

#### ۴,۳. روایت صحیح یعقوب بن شعیب از امام صادق(ع)

از حضرت در مورد جمره‌ها سؤال کردم فرمودند: «نزد دو جمره بایست، اما کنار جمره عقبه توقف نکن»؛ گفتم: این از سنت است؟ فرمودند: «بله»؛ گفتم: زمان رمی چه بگوییم؟ فرمودند: «با هر سنگی تکبیر بگو»<sup>۲</sup> (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۴۸۱).

#### ۴,۴. روایت صحیح علی بن جعفر از امام کاظم(ع)

برادرم فرمودند: «با پدرم در منا بودم، ایشان به طرف جمره عقبه رفتند و دیدند مردم کنار آن ایستاده‌اند، پس به غلامی که سعید نام داشت فرمودند: در بین مردم با صدای بلند بگو

---

۱. مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حَدِيثٍ قَالَ: «فَإِنْ رَمَيْتَ بِحَصَاةٍ فَوَقَعَتْ فِي مَحْمِلٍ فَأَعِدْ مَكَانَهَا وَإِنْ أَصَابَتْ إِنْسَانًا أَوْ جَمَلًا ثُمَّ وَقَعَتْ عَلَى الْجِمَارِ أَجْزَأُكَ.»

۲. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْجِمَارِ فَقَالَ: «قُمْ عِنْدَ الْجَمْرَتَيْنِ وَلَا تَقُمْ عِنْدَ جَمْرَةِ الْعَقَبَةِ»؛ قُلْتُ: هَذَا مِنَ السُّنَّةِ؟ قَالَ: «نَعَمْ»؛ قُلْتُ: مَا أَقُولُ إِذَا رَمَيْتُ؟ فَقَالَ: «كَبِّرْ مَعَ كُلِّ حَصَاةٍ.»



جعفر بن محمد می‌گوید اینجا جای ایستادن نیست، رمی کنید و بروید، سعید هم این سخنان را به گوش مردم رساند»<sup>۱</sup> (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴: ۶۶).

به نظر می‌رسد ایستادن کنار جمره، زمانی معنا دارد که در محل رمی، نماد و علامتی باشد و مردم با فاصله اندکی در کنار و نزدیک به آن توقف کرده باشند، و الا توقف و ایستادن در کنار زمین، چندان معنای واضحی ندارد.

#### ۴,۵. روایت صحیح معاویه بن عمار از امام صادق(ع)

حضرت فرمودند: «سنگریزه‌های رمی جمره‌ها را برگیر و سپس به سمت جمره دورتر که کنار عقبه است برو و از روبرو آن را رمی کن و از بالا رمی نکن... و باید بین تو و جمره به اندازه ده یا پانزده ذرع فاصله باشد»<sup>۲</sup> (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۴۷۹)

این روایت به روشنی دلالت دارد بر اینکه مراد از جمره، نماد قرار داده شده در محل رمی است که حجاج باید سنگریزه‌ها را به سمت آن نماد پرتاب کنند، زیرا اگر مراد از جمره، زمین بدون هرگونه ستون و علامتی بود، رمی از مقابل آن معنا نداشت، چه اینکه حج گزار در کنار هر قسمت از زمین که بایستد، بر زمین اشراف دارد و هیچ گاه زمین نمی‌تواند در مقابل او قرار گیرد؛ علاوه بر اینکه فقره «وَلَيْكُنْ فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الْجَمْرَةِ» نیز در وجود ستون و نماد در محل رمی ظهور دارد.

#### ۴,۶. روایت ابی غسان از امام صادق(ع)

از حضرت در مورد رمی جمره‌ها بدون طهارت سؤال کردم حضرت فرمودند: «جمره‌ها در

۱. عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ فِي قُرْبِ الْإِسْنَادِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ: قَالَ أَخِي مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنِّي كُنْتُ مَعَ أَبِي بِنْتِي فَآتَى جَمْرَةَ الْعَقَبَةِ فَرَأَى النَّاسَ عِنْدَهَا وَقُوفًا فَقَالَ لُغْلَامٍ لَهُ يُقَالُ لَهُ سَعِيدٌ نَادَى فِي النَّاسِ أَنْ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ يَقُولُ إِنَّ هَذَا لَيْسَ بِمَوْضِعِ وَقُوفٍ، فَارْمُوا وَامْضُوا، فَنَادَى سَعِيدٌ.»

۲. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «خُذْ حَصَى الْجِمَارِ ثُمَّ أَتِ الْجَمْرَةَ الْقَصْوَى الَّتِي عِنْدَ الْعَقَبَةِ فَارْمِهَا مِنْ قِبَلِ وَجْهِهَا وَلَا تَرْمِهَا مِنْ أَعْلَاهَا... وَ لَيْكُنْ فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الْجَمْرَةِ قَدْرُ عَشْرَةِ أذْرُعٍ أَوْ خَمْسَةَ عَشَرَ ذِرَاعًا...»

نزد ما مانند صفا و مروه، زمینی است که اگر بدون طهارت بینشان در رفت و آمد باشی به صحت عمل تو ضرری نمی‌رساند و طهارت نزد من دوست‌داشتنی‌تر است! اگر توان داری آن را رها نکن»<sup>۱</sup> (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۱۹۸)

گفته شده مراد از «حیطان» در این روایت، زمین است نه دیوار، البته زمین گاهی بدون علامت و گاهی با علامت و دیوار است؛ مؤید این معنا نیز حدیث «لاضرر» است که در آن آمده است: «كان لفلان نخلة في حائط لرجل من الأنصار» (قائینی، ۱۴۳۶ق: ۲۶۴)، اما به نظر می‌رسد به قرینه مقابله و مقایسه جمار با صفا و مروه، مراد از «حیطان» در روایت دیواری باشد که به عنوان نماد جمره مورد رمی قرار می‌گرفته است و چنانکه صاحب جواهر نیز اشاره کرده، این دیوار به منظور یادآوری محل معهود از رمی در ذهن مردم، در آن محل بنا شده بوده است (صاحب جواهر، ۱۴۰۴ق، ج ۱۹: ۱۰۷). به هر روی با توجه به ضعف سند روایت، به دلیل ناشناخته بودن ابی غسان، امکان استناد به آن وجود ندارد و با قطع نظر از سند، چنانچه مراد از جمره، بنا هم باشد، چنین فهمیده می‌شود که بنا موضوعیت نداشته و فقط نمادی برای نشان دادن محل رمی بوده است، کما اینکه صفا و مروه نیز نمادی برای نشان دادن محل انجام سعی و محدوده آن بوده و هست.

از مجموع روایاتی که گذشت، چنین استفاده می‌شود که مراد از «جمره»، نماد، ستون یا علامتی در محل رمی بوده که حجاج در زمان انجام رمی، به سمت آن پرتاب سنگ را انجام می‌داده‌اند، اما از روایات، بدون در نظر گرفتن تاریخچه رمی و جمره، موضوعیت داشتن و نداشتن نماد موجود در محل رمی استفاده نمی‌شود؛ بلکه ممکن است از اینکه در روایات مربوط به رمی، از حکم محل برخورد سنگ یا خصوصیت نماد یا حکم تغییر در شکل و شمائل آن در دوره‌های مختلف تاریخی و در طول عصر تشریح تا انتهای عصر

۱. أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ عَنِ ابْنِ أَبِي غَسَّانَ عَنِ حُمَيْدِ بْنِ مَسْعُودٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ رَمَى الْجِمَارِ عَلَى غَيْرِ طَهْوَرٍ قَالَ: «الْجِمَارُ عِنْدَنَا مِثْلُ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ حَيْطَانٌ إِنْ طُفَّتَ بَيْنَهُمَا عَلَى غَيْرِ طَهْوَرٍ لَمْ يَضُرْكُ وَالطَّهْرُ أَحَبُّ إِلَيَّ فَلَا تَدْعُهُ وَ أَنْتَ قَادِرٌ عَلَيْهِ.»

معصومین(ع) سؤالی پرسیده نشده و نیز در روایات، به‌طور مطلق به رمی به جمره‌ها امر شده است، چنین فهمیده شود که ستون و علامت موجود، در حکم رمی دخیل نبوده و صرفاً نمادی برای نشان دادن محلی بوده که باید به آن سمت، سنگ پرتاب شود و آنچه موضوعیت داشته، انداختن سنگ به سمت این نماد بوده است.

### ۵. جمره در کلام فقیهان امامیه

پس از بررسی معنای لغوی و سیر تاریخی رمی و شکل‌گیری جمرات، مناسب است با تتبعی در کتاب‌های فقهی، دیدگاه فقیهان امامیه به‌ویژه متقدمان را در خصوص مرادشان از جمره پی جو شویم.

بسیاری از فقیهان امامیه در محل بیان حکم رمی، تعریفی از جمره ارائه نکرده‌اند، اما از عبارات برخی فقها به‌صراحت یا ظهور می‌توان معنای جمره را فهمید که این عبارات را به سه دسته می‌توان تقسیم کرد:

یک. عباراتی که ظهور دارد در اینکه مراد از جمره، خصوص زمین است. برای نمونه این‌زهره در حکم رمی بیان می‌کند: «اگر سنگریزه‌ای پرتاب کرد و در محمل یا پشت شتری افتاد، سپس به زمین اصابت کرد، مجزی است.» (این‌زهره، ۱۴۱۷ق: ۱۸۹).

دو. عباراتی که تصریح می‌کند به اینکه جمره می‌تواند زمین یا بنا باشد، مانند کلام شهید اول که فرموده است: «جمره، اسم محل رمی است و عبارت است از بنا یا محل آن که سنگریزه‌ها جمع شده است.» (شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۴۲۹). همچنین صاحب مدارک وجود بنا را معنای معروف جمره در زمان ایشان دانسته (موسوی عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۸: ۹) و محقق نراقی نیز جمره را به دیوار نصب‌شده تعریف کرده است (نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۲: ۲۸۳).

صاحب جواهر نیز جمره را بنای مخصوص یا محل آن در فرض نبود بنا دانسته و ظهور برخی روایات در بنا بودن جمره‌ها را بر معهود عرفی بودن بنا حمل کرده است، به این معنا که روایت ظهور دارد در اینکه بنا برای یادآوری محل معهود رمی در ذهن مردم است و خود بنا موضوعیت ندارد (صاحب جواهر، ۱۴۰۴ق، ج ۱۹: ۱۰۷).

سه. عباراتی که ظهور دارد در اینکه جمره، بنا و علامتی در محل رمی است که پرتاب سنگریزه حجاج باید به سمت آن نماد صورت گیرد و بنا و نماد بودن جمره، از قرائنی که در کلامشان وجود دارد، قابل استفاده است؛ برای نمونه برخی فقها ایستادن مقابل جمره یا قرار گرفتن در فاصله مشخص از جمره را از مستحبات رمی و پرتاب سنگ به سمت جمره پس از برخورد به زمین را کافی دانسته‌اند (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۳۹۶؛ علامه حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۱: ۶۱۷؛ علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۱: ۱۲۵؛ علامه حلی، ۱۴۱۱ق: ۸۲).

شهید ثانی (ره) روبه‌روی جمره بودن را به معنای مقابل جمره ایستادن تفسیر کرده (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۲۹۵) و همین تفسیر حاکی از این است که ایشان نیز جمره را بنا یا نماد قرار گرفته در محل رمی دانسته است.

برخی فقها نیز بیان کرده‌اند اگر پس از پرتاب، سنگریزه به محلی برخورد کند و سپس کمانه کرده و دایره‌ای شکل به سمت جمره رفته و به آن برخورد کند یا به سمت آن سرازیر شود، در صحت رمی کافی است، اما رها کردن یا قرار دادن سنگریزه بر جمره یا برخورد به سنگریزه دیگر را به گونه‌ای که سنگریزه دوم به سمت جمره پرتاب شود، ناکافی دانسته‌اند (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۳۹۶؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱: ۲۳۴؛ صاحب جواهر، ۱۴۰۴ق، ج ۱۹: ۱۰۶).

## ۶. نقد و بررسی و بیان قول مختار

در کلام فقیهانی که جمره را خصوص زمین دانسته‌اند، قرائنی وجود دارد که فهمیده می‌شود مراد آنان از زمین، زمین اطراف جمره به‌عنوان نماد و علامت رمی بوده است (ابن زهره، ۱۴۱۷ق: ۱۸۸). با وجود این و با فرض پذیرش زمین بودن جمره، به‌خوبی روشن است که در نظر این دسته از فقها، ابعاد جمره و توسعه آن در طول و عرض و ارتفاع در حکم رمی مؤثر نیست، بلکه باید حجاج هنگام رمی، سنگریزه‌ها را به سمت حوضچه اطراف ستون‌ها پرتاب کنند.

سخن فقیهانی که معتقد شده‌اند جمره، بناست یا حداقل در زمان آنان بنا بوده، سخنی قابل پذیرش است که شواهد و قرائن تاریخی و روایی نیز آن را تأیید می‌کند. برخی

متأخران نیز با جمع‌آوری ادله و قرائن مختلف در صدد اثبات این مطلب برآمده‌اند (بحرانی، ۱۴۲۳ق، ج ۴: ۱۲۶)، اما لزوم پرتاب سنگ به بنا یا نقطه خاصی از آن هنگام رمی و لزوم برخورد به آن به گونه‌ای که افتادن سنگریزه در حوضچه اطراف ستون برای صحت رمی ناکافی باشد - چنانکه در فتوای برخی از فقیهان و مراجع معاصر وجود دارد (مظاهری، ۱۳۹۷: ۳۹۷) - با واقعیت‌های تاریخی سازگاری ندارد و قابل پذیرش نیست و قرائن موجود در کلام فقها نیز آن را یاری نمی‌کند، زیرا معتقد شده‌اند در فرض نبود بنا، برخورد سنگ به محل آن برای صحت رمی، کافی است یا جهش سنگ به سمت بنا یا افتادن سنگ در محل رمی پس از برخورد به جسمی سخت یا برخورد به جمره پس از انحنا پیدا کردن در اثر برخورد به محلی دیگر، مجزی از تکلیف است. این قرائن همگی حاکی از این است که از نظر عمده آنان بنا و ابعاد آن موضوعیت نداشته و صرفاً نمادی برای نشان دادن محل رمی و جهت پرتاب بوده است و بیان می‌کند هرگونه توسعه در جمره‌ها در جهات سه‌گانه، تأثیری در حکم رمی ندارد.

ممکن است از نظر فقیه، روایات بیان‌کننده حکم رمی از نظر بیان موضوعیت داشتن یا نداشتن بنا، مجمل باشد و روایات تاریخی نیز مورد پذیرش وی قرار نگیرد. در این صورت ممکن است گفته شود بر مبنای اصل اشتغال و احتیاط، باید به بنا و در صورت امکان قسمت قدیمی آن رمی صورت گیرد. اما این سخن مورد اشکال است، زیرا چنانکه گفته شده، تمسک به قاعده اشتغال در محل گفت‌وگو از این نظر که شک، شک در محصل است جایز نیست، زیرا صدق جمره نسبت به بنا موجود مورد تردید است. (بحرانی، محمد سند، ۱۴۲۳ق، ج ۴: ۱۳۰). بنابراین به نظر می‌رسد فراغ یقینی تنها در صورتی حاصل می‌شود که پرتاب به سمت جمره باشد و در حوضچه اطراف آن بیفتد، اعم از اینکه سنگریزه به ستون برخورد کند یا نه، زیرا دلیل قطعی بر لزوم برخورد سنگ به بنا وجود ندارد و اصل برائت نیز بر عدم وجوب برخورد به بنا دلالت دارد و رمی نیز به‌عنوان متعلق تکلیف، عرفاً به پرتاب سنگریزه به سمت و محل مشخص تفسیر می‌شود.

اما در مورد حکم رمی جمرات موجود در طبقات نیز ممکن است گفته شود با توجه به

موضوعیت نداشتن بنا و طول ارتفاع جمرات در صحت رمی که شواهد روایی و تاریخی نیز آن را تأیید می‌کند و با توجه به اینکه حوضچه‌های اطراف ستون‌ها در هر طبقه به یکدیگر مرتبط است و موجب می‌شود سنگریزه‌های پرتاب‌شده درون حوضچه‌ها، به محل رمی در سطح زمین و حتی زیرزمین ریخته شود تا امکان تخلیه آنها نیز فراهم شود، رمی جمرات از طبقات بالا به جمره موجود در هر طبقه نیز صحیح است.

همچنین ممکن است برای صحت رمی در طبقات، به روایاتی که در آنها به‌طور مطلق به رمی امر شده یا روایاتی که رمی در حال سواره را جایز دانسته است، تمسک کرد (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۲۶۷؛ ۱۳۹۰، ج ۲: ۲۹۸).

## ۷. نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد:

۱. جمره در لغت به معنای مجموعه‌ای از سنگریزه به‌کار رفته است، اما قرائن روایی و شواهد تاریخی حاکی از این است که جمره در عصر تشریح و پس از آن نماد و علامت و ستونی بوده که در محل رمی قرار داده شده است تا بیانگر محلی باشد که حجاج باید به سمت آن، سنگریزه‌های خود را پرتاب کنند.

۲. اگرچه از شواهد تاریخی می‌توان استفاده کرد که نماد قرارگرفته در محل رمی در هیچ زمانی موضوعیت نداشته و ابعاد و توسعه آن در حکم شرعی دخالت نداشته است، اما از روایات، بدون در نظر گرفتن تاریخچه رمی و جمره، موضوعیت داشتن و نداشتن نماد موجود در محل رمی استفاده نمی‌شود؛ بلکه ممکن است از اینکه در روایات مربوط به رمی، از حکم محل برخورد سنگ یا خصوصیت نماد یا حکم تغییر در شکل و شمایل آن در دوره‌های مختلف تاریخی و در طول عصر تشریح تا انتهای عصر معصومین (ع) سؤالی پرسیده نشده و نیز در روایات، به‌طور مطلق به رمی به جمره‌ها امر شده است، چنین فهمیده شود که ستون و علامت موجود، در حکم رمی دخیل نبوده و صرفاً نمادی برای نشان دادن محلی بوده که باید به آن سمت، سنگ پرتاب شود و آنچه موضوعیت داشته، انداختن سنگ به سمت این نماد بوده است.

۳. به نظر می‌رسد با تکیه بر قرائن موجود در روایات، شواهد تاریخی و قرائن موجود در کلام فقها بتوان گفت که برای صحت رمی، انداختن سنگریزه به سمت جمره و افتادن سنگریزه در حوضچه اطراف آن کافی است و لزوم پرتاب سنگ به بنا یا نقطه خاصی از آن هنگام رمی و لزوم برخورد به آن به گونه‌ای که افتادن سنگریزه در حوضچه اطراف ستون برای صحت رمی ناکافی باشد، با واقعیت‌های تاریخی سازگاری ندارد و قابل پذیرش نیست و با توجه به موضوعیت نداشتن بنا و طول ارتفاع جمرات در صحت رمی که شواهد روایی و تاریخی نیز آن را تأیید می‌کند و با توجه به اینکه حوضچه‌های اطراف ستون‌ها در هر طبقه به یکدیگر مرتبط بوده و موجب می‌شود سنگریزه‌های پرتاب‌شده درون حوضچه‌ها، به محل رمی در سطح زمین و حتی زیرزمین ریخته شود، رمی جمرات از طبقات بالا به جمره موجود در هر طبقه نیز صحیح است.

### کتابنامه

۱. ازرقی، محمد بن عبدالله (بی تا). اخبار مکة و ما جاء فیها من الآثار، چ اول، مکه: مکتبه ثقافه.
۲. ابراهیم رفعت باشا (۱۳۴۴ق). مرآت الحرمین، چ اول، قاهره: انتشارات دارالکتب مصریه.
۳. ابن زهره، حمزه بن علی (۱۴۱۷ق). غنیة النزوع آلی علمی الاصول والفروع، چ اول، قم: مؤسسه امام صادق(ع).
۴. ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة، تحقیق هارون، عبدالسلام محمد، چ اول، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب، چ سوم، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر.
۶. بحرانی، محمد سند (۱۴۲۳ق). سند العروه الوثقی - کتاب الحج، چ اول، بیروت: مؤسسه أم القرى للتحقیق و النشر.
۷. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ق). الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربیة)، چ اول، بیروت: دارالعلم للملایین.
۸. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعه، چ اول، قم: مؤسسه آل البیت(ع).
۹. راغب اصفهانی (۱۴۱۲ق). حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، چ اول، بیروت.
۱۰. شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۷ق). الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیة، چ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۱. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ق). مسالک الأفهام الی تنقیح شرایع الاسلام، چ اول، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۱۲. شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه، چ دوم، قم: دفتر انتشارات



- اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۳. صاحب بن عباد، اسماعیل (۱۴۱۴ق). *المحیط فی اللغة*، چ اول، بیروت: عالم الكتاب.
۱۴. صاحب جواهر، محمدحسن (۱۴۰۴ق). *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، چ هفتم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۵. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۴۱۶ق). *مجمع البحرین*، چ سوم، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
۱۶. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۹۰ق). *الاستبصار فیما اختلف من الاخبار*، چ اول، تهران: دارالکتب الاسلامیة.
۱۷. ----- (۱۴۰۷ق). *تهذیب الاحکام*، چ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۱۸. ----- (۱۳۸۷ق). *المبسوط فی فقه الامامیه*، چ سوم، تهران: المکتبۃ المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة.
۱۹. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۱ق). *تبصرة المتعلمین فی احکام الدین*، چ اول، تهران: مؤسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۰. ----- (۱۴۲۰ق). *تحریر الاحکام*، چ اول، قم: مؤسسه امام صادق(ع).
۲۱. ----- (۱۴۱۲ق). *منتهی المطلب فی تحقیق المذهب*، چ اول، مشهد: مجمع البحوث الإسلامیة.
۲۲. فیومی، احمد بن محمد (بی تا). *المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی*، چ اول، قم: منشورات دار الرضی.
۲۳. قائینی، علی (۱۴۳۶ق). *بحوث فقهیه المسائل المستحدثه فی الحج*، چ اول، قم: نشر آل فاضل.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*، چ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامیة.

۲۵. محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق). *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، چ دوم، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۲۶. مظاهری، منصور (۱۳۹۷). *مناسک حج مطابق با فتوای امام خمینی و مراجع تقلید*، چ سیزدهم، قم: مشعر.
۲۷. موسوی عاملی، محمد بن علی (۱۴۱۱ق). *مدارک الاحکام فی شرح شرایع الاسلام*، چ اول، بیروت: مؤسسه آل‌ال‌بیت(ع).
۲۸. نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۵ق). *مستند الشیعه فی احکام الشریعه*، چ اول، قم: مؤسسه آل‌ال‌بیت(ع).
۲۹. نشوان حمیری، نشوان بن سعید (۱۴۲۰ق). *شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلام*، بیروت: دارالفکر المعاصر.
۳۰. واسطی زبیدی (۱۴۱۴ق). *تاج العروس من جواهر القاموس*، چ اول، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۳۱. سایت: <https://www.saudi-projects.net>

## References

1. Azraqi, M. ibn Abdullah (Bita). the news of Mecca and its place in the works, First edition, Mecca, Saqafah school.(in Arabic)
2. Allama Hali, Hassan Ibn Yusuf (1990). Commentary of the Learned on the Rules of Religion, First Edition, Tehran: Publishing Institute affiliated to the Ministry of Culture and Islamic Guidance. (in Arabic)
3. -----(1999). Tahrir al-Ahkam, First edition, Qom, Imam Sadegh (as) Institute. (in Arabic)
4. -----(1991). the culmination of research in the study of religion, First Edition, Mashhad, Islamic Research Complex. (in Arabic)
5. Bahrani, M. Sanad (2002). Sind al-Arwa al-Wathqi - Book of Hajj, First edition, Beirut: Umm al-Qura Foundation for Research and Publishing. (in Arabic)
6. Fayumi, Ahmad ibn Muhammad (pbuh). Al-Misbah Al-Munir Fi Gharib Al-Sharh Al-Kabir, First Edition, Qom: Dar Al-Razi Publications. (in Arabic)
7. Har'amli, Muhammad ibn Hassan (1988). elaboration of Shiite means to study Sharia issues, First edition, Qom: Al-Bayt Institute, peace be upon them. (in

- Arabic)
8. Klini, Muhammad ibn Ya`qub (1986). Al-Kafi, Fourth edition, Tehran, Islamic Library. (in Arabic)
  9. Ibrahim Rifat Basha (1925). Meraat Al-Harmain, First Edition, Cairo: Egyptian Library Publications. (in Arabic)
  10. Allama Hali, Hassan Ibn Yusuf (1990). Commentary of the Learned on the Rules of Religion, First Edition, Tehran: Publishing Institute affiliated to the Ministry of Culture and Islamic Guidance. (in Arabic)
  11. -----(1999). Tahrir al-Ahkam, First edition, Qom, Imam Sadegh (as) Institute. (in Arabic)
  12. -----(1991). the culmination of research in the study of religion, First Edition, Mashhad, Islamic Research Complex. (in Arabic)
  13. Bahrani, M. Sanad (2002). Sind al-Arwa al-Wathqi - Book of Hajj, First edition, Beirut: Umm al-Qura Foundation for Research and Publishing. (in Arabic)
  14. Fayumi, Ahmad ibn Muhammad (pbuh). Al-Misbah Al-Munir Fi Gharib Al-Sharh Al-Kabir, First Edition, Qom: Dar Al-Razi Publications. (in Arabic)
  15. Har'amli, Muhammad ibn Hassan (1988). elaboration of Shiite means to study Sharia issues, First edition, Qom: Al-Bayt Institute, peace be upon them. (in Arabic)
  16. Klini, Muhammad ibn Ya`qub (1986). Al-Kafi, Fourth edition, Tehran, Islamic Library. (in Arabic)
  17. Ibn Zohra, Hamzah Ibn Ali (1996). Ghanniya Al-Nazu'a Ali Alami Al-Asul wa Al-Furu, First edition, Qom: Imam Sadegh (as) Institute. (in Arabic)
  18. Ibn Faris, Ahmad ibn Faris (1983). Dictionary of Comparative Language, Harun Research, Abd al-Salam Muhammad, first edition, Qom: Islamic Media School. (in Arabic)
  19. Ibn Manzoor, Muhammad ibn Makram (1993). Arabic language, Third edition, Beirut, Dar al-Fikr for printing, publishing and distribution. (in Arabic)
  20. Johari, Ismail Ibn Hammad (1989). Al-Sahah (the crown of the language and the Arabic language), First Edition, Beirut, Dar al-Alam for Millions. (in Arabic)
  21. Mohaqeq Hali, Ja'far ibn Hassan (1987). Sharia al-Islam in matters of Halal and Haram, Second edition, Qom, Ismailian Institute. (in Arabic)
  22. Mazaheri, Mansour (2018). Hajj rituals in accordance with the fatwa of Imam Khomeini and the authorities of imitation, Thirteenth edition, Qom: Moshar Publishing. (in Persian)
  23. Mousavi Ameli, Muhammad ibn Ali (1990). Evidence of rulings in the explanation of Islamic law. First Edition, Beirut, Al-Bayt Institute, peace be upon them. (in Arabic)
  24. Naraqhi, Molla Ahmad bin Muhammad Mahdi (1994). Shiite documentary on the rules of Sharia, First edition, Qom: Al-Bayt Institute, peace be upon them. (in Arabic)
  25. Nashwan Humairi, Neshwan Ibn Saeed (1999). Shams al-Ulum and the

- medicine of the Arabic words from Al-Kalum, Beirut, Dar al-Fikr al-Maasir. (in Arabic)
26. Qa'ini, Ali (1436 AH). *the study of the jurisprudence of the issues developed in Hajj*, First edition, Qom: Al-Fazel Publishing. (in Arabic)
  27. Ragheb Isfahani (1412 AH). *Hussein Ibn Muhammad, Al-Mufradat Fi Gharib Al-Quran*, First Edition, Beirut. (in Arabic)
  28. Sheikh Saduq, Muhammad ibn Ali (1413 AH). *from the presence of the jurist*, Second Edition, Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Teachers Association. (in Arabic)
  29. Sahib Ibn Ibad, Ismail (1414 AH). *Environment in Language*, First Edition, Beirut, Book World. (in Arabic)
  30. Sahib Jawahir, M. H. (1404 AH). *Jawahir al-Kalam fi Sharh Sharia al-Islam*, Seventh edition, Beirut, Dar Al-Ihya Al-Tarath Al-Arabi. (in Arabic)
  31. The first martyr, Muhammad ibn Makki (1417 AH). *Sharia courses in Imami jurisprudence*, Second Edition, Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Teachers Association. (in Arabic)
  32. The second martyr, Zayn al-Din ibn Ali (1413 AH). *Masalak al-Afham to Tanqih Sharia al-Islam*, First edition, Qom: Islamic Encyclopedia Institute. (in Arabic)
  33. Tarihi, Fakhruddin bin Muhammad (1416 AH). *Bahrain Assembly*, Third Edition, Tehran, Mortazavi Bookstore. (in Arabic)
  34. Tusi, Muhammad ibn Hassan (1390 AH). *the insight of Fima is different from the news*, First Edition, Tehran: Islamic Books House. (in Arabic)
  35. ----- (1407 AH). *refinement of rulings*, Fourth edition, Tehran: Islamic Books House. (in Arabic)
  36. ----- (1387 AH). *extended in the jurisprudence of the Imams*, Third Edition, Tehran, Al-Mortazavi Library for the Revival of Al-Jaafari Works. (in Arabic)
  37. Wasiti Zubaydi (1993). *the crown of the bride from the jewel of the dictionary*, First edition, Beirut: Dar al-Fikr for printing, publishing and distribution. (in Arabic)
  38. <https://www.saudiprojects.net>